

بررسی ترجمه «إنما» در ترجمه‌های قرآن کریم

مریم بخشی^{*۱}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹

چکیده

هر واژه‌ای در قرآن کریم دارای معنی خاص خود و دارای اهداف معنوی و بلاغی است که در ترجمه نیز باید به این مسأله توجه شود. از جمله واژگانی که در ترجمه قرآن، دقت ویژه‌ای می‌طلبد، واژه «إنما» است که از ادات حصر بوده و دارای جایگاه خاص در قرآن کریم است. اما علیرغم اهمیت توجه به این امر، برخی مترجمان در برگردان «إنما»، یا دقت لازم را اعمال ننموده‌اند و یا آن را اساساً ترجمه نکرده‌اند و یا به صورت نادرست ترجمه نموده‌اند. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، آباتی که در آن «إنما» به کار رفته استخراج و در پنج ترجمه انصاریان، خرمشاهی، فولادوند، الهی قمشاهی و مکارم شیرازی، بررسی شده است. براساس نتایج پژوهش، خطاهای رایج در ترجمه «إنما» عبارتند از: ۱. ترجمه انمای حصری به صورت تأکیدی، ۲. خطا در تشخیص طرفین قصر در ترجمه «إنما»، ۳. خطا در تشخیص مای کافه از مای موصوله در «إنما»، ۴. خطا در تشخیص مای موصوله از مای مصدریه، ۵. خطا در معادل یابی معنایی «إنما»، ۶. خطا در ترجمه یکسان «إلا» و «إنما». نتایج حاکی از آن است که ترجمه‌های خرمشاهی (۸۱ مورد)، الهی قمشاهی (۷۴ مورد) و انصاریان (۲۳ مورد) در برگردان «إنما» توجه لازم را مبذول نداشته‌اند و ترجمه مکارم به طور کامل، برگردان تأکیدی «إنما» را مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، ترجمه قرآن، حصر، قصر، إنما

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

استعمال واژه‌ها در قرآن از روی عمد و قصد بوده و واژه‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که واژه دیگری را نمی‌توان جای آن گذاشت (باقلانی، ۱۴۰۸: ۱۷۵). بدیهی است که در ترجمه نیز باید این امر مد نظر قرار گرفته و مورد توجه قرار گیرد تا غرض معنایی و بلاغی محقق گردد. مخصوصاً که «به دلیل برخورداری از سندیت شرعی و نیز نقش آن در شکل دهی آموزه‌های اعتقادی و تربیتی، ترجمه و میزان کارآمدی آن در انتقال مفاهیم از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد» (جهانگیری اصل، ۱۳۹۸: ۱۶۶). از جمله این موارد، ترجمه قصر در قرآن کریم است. قصر، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی دارد؛ اما اغلب بلاغت‌شناسان بر چهار شیوه اتفاق نظر دارند (ر.ک: سکاکی، ۱۹۸۱: ۵۰۸؛ قزوینی، ۱۹۸۲: ۷۶؛ تفتازانی، ۱۳۳۰: ۲۰۳).

(۱) قصر به وسیله «نما»؛

(۲) قصر با ما و إلا؛

(۳) قصر به وسیله عطف به بل، لا و لکن؛

(۴) قصر از طریق تقدیم ما حقه التأخیر؛

شاید بتوان گفت: ترجمه قصر به وسیله «نما»، بیش‌تر از بقیه روش‌های قصر مورد بی-توجهی قرار گرفته و در اغلب موارد یا ترجمه نشده و یا به شکل نادرست ترجمه شده است. مخصوصاً که «نما» از باقی ادوات قصر اقوی است؛ چه از آن در ابتدای کلام، قصر مستفاد می‌شود» (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۰۰). از این رو پژوهشی مستقل می‌طلبد تا در ضمن آن، این خطاها، ضعف‌ها و نارسایی‌ها بررسی گردد.

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، آیاتی که در آن «نما» به کار رفته، استخراج و ترجمه آن در ترجمه پنج تن از مترجمان (انصاریان، خرمشاهی، فولادوند، قمشه‌ای و مکارم شیرازی) بررسی شده است. در این راستا، سوالات زیر مطرح است:

- ۱) در ترجمه «إنما» باید به چه عناصر و نکاتی توجه داشت و صورت‌های صحیح ترجمه «إنما» بسته به شرایط مختلف جمله کدام است؟
- ۲) مترجمان قرآن کریم در ترجمه «إنما»، دچار چه خطاها و ضعف‌هایی شده‌اند؟
- ۳) کدام یک از مترجمان بیش‌ترین و کدام یک کم‌ترین خطای ترجمه‌ای را در این زمینه دارد؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در زمینه «إنما» صورت گرفته بدین ترتیب هستند:

«بررسی معناشناسی واژه «إنما» در دو ترجمه دهلوی و فولادوند»، محمد جنتی فر و معصومه آمیغی، دانشنامه، تابستان ۱۳۸۹- شماره ۲. نویسنده مقاله حاضر با بررسی و مقایسه دو ترجمه مذکور به این نتیجه رسیده است که دهلوی، واژه «إنما» را با تعبیر «جز این نیست که» ترجمه نموده؛ مگر در موارد معدودی و فولادوند، آن را در اکثر آیات ترجمه نموده و از واژه‌های متعددی، همچون: «خود، فقط، جز این نیست که، تنها، صرفاً، جز این نبود که، در واقع، همانا...» بهره گرفته است. در این مقاله، صرفاً معانی «إنما» در ترجمه دو مترجم بررسی شده و نویسنده به خطاهای ترجمه این واژه، دقت نکرده تا آنجا که «در واقع» و «همانا» را (که ادات تأکید هستند) هم جزء معناهای «إنما» تلقی کرده است. «دراسة تحليلية في الفروق المعنوية بين أساليب القصر»، علی صیادانی و بهنام فارسی، بحوث في اللغة العربية، العدد ۱۵ (۱۳۹۵) در مقاله یاد شده، نویسندگان به بررسی روش‌های قصر و معناها و تفاوت معنایی آن‌ها پرداخته‌اند، اما به کیفیت ترجمه آن‌ها در قرآن کریم نپرداخته‌اند.

«ارزیابی دوگانگی رسم‌الخط ادوات «إنما، أنما، كل ما و این‌ما» و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، کاووس روحی برندق و همکاران، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶. در این مقاله بیش‌ترین اهتمام

نویسندگان به موضوع رسم الخط إنما و إن ما و آنما، و آن ما و کُلّ ما و این ما است و بیش تر آیاتی را آورده است که در آن «إنّ ما» به صورت متصل «إنّما» نوشته شده است که بعضی از مترجمان از یکسو در پاره‌ای از مواضع به تفاوت رسم الخطی این ادوات بی‌اعتنا بوده و با انگاشت‌هایی متنوع، معادل‌های نادرستی را در برگردان این ادوات ارائه کرده‌اند.

«بحث في إفادة إنما للحصر، وما ورد في كتاب التفسير الكبير»، محمد احسانی فر لنگرودی، دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، سال اول شماره ۳، زمستان ۱۳۹۸؛ نوشتار حاضر با عنوان «یادداشت آزاد» در دو صفحه به منابعی که به حصریه بودن «إنما» تأکید دارند، اشاره کرده و در ادامه متعرض نظر صاحب تفسیر کبیر شده که مخالف حصریه بودن «إنما» در آیه ۵۵ سوره مائده است.

«نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن کریم»، سیمین ولوی، طاهره تیزغم، دوره ۳، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۱؛ در این مقاله به تمام شیوه‌های قصر و ترجمه آنها به طور اعم پرداخته شده که «إنّما» هم جزء یکی از این موارد است اما فقط در ده آیه، مترجم ترجمه آن را در ترجمه مترجمین گزارش کرده است.

اغلب پژوهش‌هایی که اشاره شد به صورت کلی، قصر را مورد بررسی قرار داده‌اند و به صورت اختصاصی وارد موضوع «إنّما» نشده‌اند. برخی دیگر نیز شمولیت مقاله حاضر را نداشته و یا به بررسی ترجمه مترجمانی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده، نپرداخته‌اند. مقاله حاضر ضمن بررسی اختصاصی ترجمه «إنّما» در قرآن کریم، به تمام خطاهایی که در ترجمه آن در ترجمه مترجمان رخ داده، پرداخته و با بررسی دقیق آماری و تحلیلی، بهترین ترجمه‌ها را در رابطه با «إنّما» معرفی کرده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- قصر و روش‌های آن

قصر در لغت، به معنای کوتاه کردن و حبس نمودن است و در اصطلاح، اختصاص دادن امری به امر دیگر به طریق مخصوص و نفی آن از غیر اوست (تفتازانی، ۱۳۳۰: ۲۰۴).

- قصر به وسیله «إنما»؛ ﴿فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ﴾ (آل عمران / ۲۰)
- قصر به وسیله نفی و استثناء. ﴿إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا﴾ (ابراهیم / ۱۰)
- قصر به وسیله عطف با «لا»، «بل» و «لکن»؛ مانند: «الأرض متحركة لا ثابتة».
- قصر به جهت مقدم آوردن چیزی که باید مؤخر شود؛ مانند ﴿يَا كُفْرًا نَعْبُدُ﴾ (سکاک، ۱۹۸۱: ۵۰۸؛ قزوینی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۸؛ قزوینی، ۱۹۸۲: ۷۶؛ تفتازانی، بی.تا، ج ۲: ۱۶۶).

۲-۲-۲- انما، ساختار، ترکیب و معانی آن

«إنما» از دو کلمه إن و ما تشکیل شده است؛ «إن» همان است که قبل از ورود «ما»، ناصب اسم بود و ما از نوع مایی است که در جمله «لیتما أخوک منطلق» وجود دارد و زائده است (سیوطی، بی.تا: ۱۴۵) و إن را از عمل کردن منع می‌کند. إنما آنچه را که بعد از آن می‌آید اثبات و غیر آن را نفی می‌کند (جرجانی، بی.تا، ج ۱: ۳۲۸). إن بر سر جمله اسمیه می‌آید و بر سر خبر نمی‌آید؛ اما پس از ترکیب دو حرف و حاصل شدن إنما، می‌تواند بر سر جمله فعلیه نیز بیاید. صحیح‌ترین معادل معنایی إنما: فقط، تنها و منحصر است.

۲-۲-۱- إنما به عنوان ادات حصر و معنای آن

«إنما» افاده حصر می‌کند که بر این مطلب چند دلیل آورده‌اند:

- دلیل اول:** عرب إنما را پس از ترکیب آن از دو حرف، در جایگاه حصر استعمال کرده‌اند و آن را به دلیل اینکه در حکم با ما و إلا مشارکت دارد، بر حصر اختصاص داده‌اند؛ چرا که آن‌ها، إنما را همچون کاربرد ما و إلا، به کار برده‌اند (سیوطی، بی.تا، ج ۴: ۱۴۵). همچنان‌که این واژه براساس نظر مفسران در رابطه با سخن خدای متعال، ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخُزَيْرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ﴾ (بقره/ ۱۷۳)، متضمن معنای ما و إلا است.
- دلیل دوم:** براساس نظر نحویان، إنما برای اثبات مابعد و نفی غیر آن است.

دلیل سوم: به خاطر صحیح بودن انفصال ضمیر همراه آن؛ مثل «إنما يضرب أنا»، همچنان که گفته می‌شود «ما يضرب إلا أنا» مثل این بیت از فرزدق:

أنا الدائد الحامي الدمار وإنما...
يدافع عن أحسابهم أنا أو مثلي

یا این بیت:

قد علمت سلمی وجاراتها...
ما قَطَّرَ الفارس إلا أنا

(قزوینی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۲۸-۲۵؛ دسوقی المالکی، ۲۰۱۱، ج ۲: ۳۵۶-۳۵۵؛ سکاکی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳؛ جرجانی، ۲۰۱۱: ۸۰؛ صابرالکردی، ۲۰۱۸: ۲۱۶)

به بیان دیگر، زمانی که فاعل به واسطه ما و إلا محصور می‌شود، چاره‌ای نیست جز اینکه فاعل (یا نائب فاعل) به بعد إلا منتقل شود و در این حالت به صورت منفصل می‌آید مثل: «ما ضُربَ إلا أنا»، «ما ضُربَ إلا أنت». این انحصار و به دنبال آن انفصال ضمیر، در ترکیب جمله إنما نیز صحت دارد.

اکثر نحویان، زبان‌شناسان و مفسران قائل به حصریه بودن إنما هستند؛ از جمله: سیوطی، بن منظور، بن هشام، فیروزآبادی، جوهری، سکاکی، تفتازانی، عبدالقاهر جرجانی، زمخشری و... (ر.ک: لنگرودی، ۱۳۹۷: ۱۵۸-۱۵۷) نحویون گفته‌اند: اصل إنما، ما است که إن را از عمل ملغی کرده و معنی إنما، اثبات مابعد آن و نفی غیر آن است؛ مثل إنما يدافع عن أحسابهم أنا أو مثلي (ازهری، ۲۰۰۱: ۳۸۴).

۲-۳- إنما به عنوان ادات تاکید و معنای آن

در برابر تعداد کثیری از علماء نحو و لغت و اصول فقه که اعتقاد به حصریه بودن «إنما» دارند، افراد اندکی هم‌چون ابوحنیفان آندلسی، آمدی و بن عطیه، اعتقاد دارند که این واژه برای حصر وضع نشده و مفید تأکید است. به عنوان نمونه، ابوحنیفان در رابطه با «إنما» چنین می‌گوید: «إنما» برای حصر نیست و «ما»ی إنما با آن، مثل کَانَ و لعل است. هم‌چنان که در تشبیه و ترجی افاده حصر نمی‌کند، همین‌طور با آن نیز افاده حصر نمی‌کند (ابوحنیفان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۴۷۳). در پاسخ به این نظر، باید گفت که این استدلال ضعیفی است؛

چرا که «أَنَّ» با «كَأَنَّ» و «لَيْتَ» هم‌شکل و هم معنا نیستند که نتیجه‌ای که برای آن‌ها می‌گیریم به «إنما» هم تعمیم دهیم.

نکته دیگر اینکه این مفسر بزرگ در مورد «إنما» دیدگاه یکسان نداشته و گاه نظرات متناقضی در این زمینه دارد؛ از جمله در تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنْ السَّمَاءِ﴾ (یونس / ۲۴) می‌گوید: «إِنَّمَا هُنَا لَيْسَتْ لِلْحَصْرِ لَا وَضْعًا وَلَا اسْتِعْمَالًا» (ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۳۶) نمی‌توان گفت که «إنما» جایی برای حصر وضع شده و جای دیگر غیر حصر. و ضعف این نظر هم به خودی خود آشکار است.

علیرغم این که ابوحیان معتقد است «إنما» برای حصر وضع نشده اما خود در تفسیر آیه ﴿لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ﴾ (حجر / ۱۵) با این عبارت «وَجَاءَ لَفْظُ إِنَّمَا مُشْعِرًا بِالْحَصْرِ، كَأَنَّهُ قَالَ لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا تَشْكِيرًا لِلْأَبْصَارِ» (ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۷۰)، به حصریه بودن انما تصریح می‌کند. وی در تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾ (آل عمران / ۱۷۵) نیز، تسلیم نظر صاحبان اصول فقه شده و حصریه بودن آن را قبول می‌کند (رک: ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۳۹) و در تفسیر برخی آیات مثل ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر / ۲۸) به نظر دیگران از جمله زمخشری (قائل به حصر) و ابن عطیه (قائل به اختصاص نه حصر) (رک: ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۱) استناد کرده و نظری ابراز نمی‌کند.

تعداد زیاد «إنما» در قرآن نشان دهنده موجودیت مستقل آن برای یک مفهوم خاص است. در اغلب آیاتی که «إنما» وجود دارد، همین مفسر، حصر را دریافت می‌کند هر چند به زعم وی، این حصر از سیاق فهمیده می‌شود.

ابن عطیه نیز در تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر / ۲۸) می‌نویسد: «إنما» در این آیه برای تخصیص «علماء» آمده است نه حصر و واژه‌ای است که هم برای حصر صلاحیت دارد و هم برای معانی‌ای غیر از آن (حصر) می‌آید و این به حسب سیاقی است که در آن آمده است» (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۴۳۷).

در نقد کلام ایشان، مبنی بر اینکه «إنما» هم برای حصر و غیر آن صلاحیت دارد و این امر براساس سیاقی است که آمده، دو ایراد وارد است:

ایراد اول: اینکه نمی‌توان گفت لفظی بر هر معنایی (حصر و غیر آن) صلاحیت دارد. مثل این است که بگوییم، مثلاً **إن** هم برای تأکید و هم غیر آن صلاحیت دارد.

ایراد دوم: اگر معنای واژه‌ی «إنما» را به سیاق کلام محدود کنیم در این صورت این سیاق است که آن معنی را ارائه می‌دهد نه **إنما**؛ پس **إنما** استقلال معنایی ندارد و این باطل است.

۲-۴- **إنما ترکیبی از **إن** + **ما**ی موصوله و معنای آن**

إنما در مواردی هم، **إنمای** حصریه نبوده و ترکیبی از **إن** و **ما**ی موصوله است که در رسم الخط، به صورت متصل نگاشته شده است که این رسم الخط صحیح نبوده و باید به صورت مفصل نوشته می‌شد (ر.ک: روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶). هم‌چون این آیه:

﴿**إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ**﴾ یا این آیه ﴿**إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ**﴾ (نحل / ۹۵)

«ما» موصول نیز با معادل «که، آنچه، چیزی که، هرآنچه که» (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۹۹۵) ترجمه می‌شود؛ هرچند در این معادل «آنچه» به دلیل روانی و اشتغال روشن بر مقصودِ کلیتی «ما»ی موصول راجح‌تر بوده. (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۱۶۷) و برای ترکیب **إن** + **ما** موصوله، معادل «به تحقیق آن چه» صحیح‌تر است.

۲-۵- **إنما (أنما) ترکیبی از **ان** + **ما**ی مصدریه و معنای آن**

گاهی نیز ممکن است بعد از **ان**، **ما**ی مصدریه بیاید اما مثل **إنمای** حصریه در قرآن به صورت متصل نوشته شده است که باید دقت کرده و با **إنمای** حصریه اشتباه گرفته نشود. در این حالت، **ما** به همراه فعل بعدی، به صورت مصدر ترجمه می‌شود. نمونه این حالت آیه ﴿**وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ**﴾ (آل عمران / ۱۷۸) است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- تفاوت معنایی «إنما» با «ما و إلا»

حصر به معنای اخص، همان «قصر» در اصطلاح اهل بلاغت و به معنای «اختصاص دادن چیزی به چیزی، و نفی آن از چیزهای دیگر» است (القصر فی الاصطلاح تخصیص شیء بشیء بعبارة مخصوصة). حصر به این معنا در مقابل استثنا است، اما حصر به معنای اعم شامل قصر و استثنا (که معنای مطابقی آن اخراج است) می‌شود (فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۶۴).

«إنما» مترادف با «ما و إلا» نیست؛ چه اینکه شرط مترادف این است که از نظر معنی و مفرد و مرکب بودن به یک شکل باشند (صعیدی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۱). «إنما» برای اثبات چیزی که پس از آن می‌آید و نفی موارد غیر آن است (صعیدی، ۱۴۲۰: ۱۳).

تفاوت دیگر، مطلبی است که دکتر انیس به آن پی برده که اولی تأکید اثبات است، دومی تأکید نفی (صیادانی، ۱۴۳۸: ۴۰). به این صورت که زمانی که جمله مسبوق به اثبات باشد، قصر با إنما می‌آید؛ مثل آیه ﴿إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (عنکبوت / ۵۰) و زمانی که مسبوق به نفی باشد با ما و إلا می‌آید (انیس: بی تا: ۱۹۴). مزیت دیگری که إنما دارد، اثبات یک چیز و نفی آن حکم از غیرش، در یک آن فهمیده می‌شود برخلاف عطف و ما و إلا (صعیدی، ۱۴۲۰: ۱۸).

روشن است که تفاوت لفظ، تفاوت معنا را ایجاب می‌کند. نظر به اهمیت و حساسیت ترجمه قرآن کریم بهتر است که این تفاوت لفظی و معنایی در ترجمه مورد توجه مترجم قرار گرفته و این دو عین هم ترجمه نشوند.

۴- خطاهای رایج در ترجمه «إنما»

۴-۱- ترجمه إنمای حصری به صورت تأکیدی

در آیات فراوانی مترجمان، «إنما» را به صورت ادات تأکید ترجمه کرده‌اند؛ هر چند «إنما» تغییر یافته «إن» است و در عمق معنای خود تأکید را با خود دارد، اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که پس از آمدن «ما»ی کافه، این واژه مختص ادات حصر شده و مفید حصر

است؛ اهمیت و ضرورت دقت به ترجمه «إنما» مخصوصاً در قرآن کریم که کتاب آسمانی است و هیچ واژه و حرفی در جای نامناسب خود استعمال نشده و هر واژه‌ای در هر جایگاهی اهمیت و نقش خاص خود را دارد، مضاعف است.

در زیر، نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم که نشان‌گر حصریه بودن «إنما» هستند، همراه با توضیح ارائه می‌شود:

﴿فَأَقْضِي مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ (طه / ۷۲)

اگر «إنما» به صورت تأکیدی ترجمه شود، ترجمه چنین می‌شود: تو قطعاً زندگی دنیوی را قضاوت می‌کنی؛ پس چیزی که اینجا مهم بوده، این است که قضاوت این دنیا را برای مخاطب (فرعون) اثبات و تأکید می‌کنیم، در حالی که براساس سیاق چنین نیست. اما وقتی به صورت ادات حصر ترجمه شود، به این صورت خواهد بود:

تو فقط این زندگی دنیوی را حکم می‌کنی؛ در این ترجمه حکم آخرت از مخاطب سلب شده و به طریق تحقیرآمیز، صرفاً قضاوت دنیا به این فرد اختصاص داده شده است. دلیل و شاهد مثال دیگری که نشان دهنده تفاوت معنای حصر و تأکید است ترجمه آیه زیر است که دو نفر از مترجمان، «إنما» را به صورت ادات تأکید ترجمه کرده‌اند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾ (فتح / ۱۰)

خرمشاهی: بی‌گمان کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در واقع با خداوند بیعت می‌کنند.

الهی‌قمشه‌ای: همانا مؤمنانی که (در حدیثیه) با تو بیعت می‌کنند، به حقیقت با خدا بیعت می‌کنند.

در این آیه شریفه هم واژه «إِنَّ» به کار رفته و هم واژه «إنما»؛ چنانچه «إنما» به معنای «إِنَّ» باشد، دلیلی برای آوردنش نبود. پس روشن است که «إنما» مفید حصر بوده و به معنای «إِنَّ» نیست.

ترجمه پیشنهادی: در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند صرفاً با خدا بیعت می‌کنند.

در مورد تفاوت معنای حصر و تأکید صحبت کردیم؛ اما گاهی شرایطی پیش می‌آید که تشخیص تأکید و حصریه سخت می‌شود؛ چرا که در آن شرایط، معنای تأکید تناقضی با سیاق پیدا نمی‌کند. اما نکته اینجاست که در چنین شرایطی «إنما» نیز براساس اصل ترجمه شود؛ به طوری که معنای حصر افاده شود. در چنین حالتی معنای تأکید را هم با خود خواهد داشت. اما اگر به صورت تأکیدی ترجمه کنیم دیگر معنای حصر از آن برداشت نمی‌شود.

آیه زیر از مواردی است که همه مترجمان به صورت تأکیدی ترجمه کرده‌اند:

﴿وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (آل عمران / ۱۸۵)

انصاریان: بدون تردید روز قیامت پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود.

خرمشاهی: بی‌شک در روز قیامت پادشاهیتان را به تمامی خواهند داد.

فولادوند: همانا روز رستاخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود.

الهی قمشه‌ای: محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید.

مکارم شیرازی: شما پادشاه خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت.

مفهوم آیه این است که تمام و کمال گرفتن پادشاه صرفاً در روز قیامت صورت خواهد گرفت. در تفسیر کشف هم در ذیل آیه بیان شده است که تمام پادشاه و ثواب صرفاً در روز قیامت به فرد مکلف خواهد رسید (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۷۰)؛ چرا که «هر منفعتی که در دنیا به فرد مکلف می‌رسد، همراه با غم و غصه و ترس از بین رفتن و تمام شدن هست؛ در حالی که پادشاه تمام و ثواب کامل صرفاً در روز قیامت به مکلف خواهد رسید» (رازی، بی‌تا: ج ۹: ۱۳۰).

در این آیه قصر قلب وجود دارد؛ به این ترتیب که مؤمنانی را که ناراحتی کشته‌ها و شکست‌شان به آن‌ها رسیده، همچون کسی در نظر گرفته که از اعمالش فقط منتظر منافع دنیا که پیروزی و غنیمت است، در حالی که پادشاه کامل در روز آخرت به آن‌ها می‌رسد

(بن عاشور، بی تا، ج ۴: ۱۸۸). حاصل سخن آن که اینما در آیه فوق باید به صورت حصری ترجمه شود نه تأکیدی.

ترجمه پیشنهادی: پاداش تان را صرفاً در روز قیامت به طور کامل خواهید گرفت.

در نمونه زیر نیز، هیچ کدام از مترجمان، اینما را ترجمه نکرده‌اند:

﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ﴾ (طه / ۹۰)

انصاریان: و به راستی هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله

این گوساله مورد امتحان قرار گرفته‌اید.

خرمشاهی: و هارون پیش از آن به آنان گفته بود، ای قوم من شما با آن امتحان پس

می‌دهید.

فولادوند: و در حقیقت هارون قبلاً به آنان گفته بود ای قوم من شما به وسیله این

[گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید

الهی قمشه‌ای: و هارون هم پیش از آنکه موسی باز آید به آنان گفت: ای قوم، این

گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده.

مکارم شیرازی: و هارون قبل از آن به آنها گفته بود که ای قوم! شما به این وسیله مورد

آزمایش قرار گرفتید.

ترجمه پیشنهادی: و به تحقیق هارون قبل از آن، به آنان گفته بود ای قوم من! شما به

وسیله این گوساله، صرفاً مورد امتحان قرار گرفته‌اید. (و خدای شما نیست).

در نمونه زیر نیز، همچنان که ملاحظه می‌شود، سه مترجم اول به صورت ادات تأکیدی

ترجمه کرده‌اند و دو مترجم آخر، ترجمه نکرده‌اند.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ

اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ﴾ (مائده / ۹۱)

انصاریان: مسلماً شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت]

اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد.

خرمشاهی: همانا شیطان می‌خواهد در پرداختن به شراب و قمار، بین شما دشمنی و کینه بیندازد، و شما را از یاد خداوند و از نماز بازدارد.

فولادوند: همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد.

الهی قمشه‌ای: شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد.

مکارم شیرازی: شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد.

ترجمه پیشنهادی: شیطان فقط می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند.

در ترجمه آیه ذیل نیز، سه انتخاب پیش روی مترجمان بوده است؛ انصاریان، فولادوند و مکارم، آن را ترجمه نکرده‌اند. خرمشاهی به صورت تأکیدی ترجمه کرده و قمشه‌ای به صورت ادات حصر. البته استفاده از واژه «منحصرا» نیز باعث می‌شود ترجمه‌ای رسا و شفاف ارائه نشود.

﴿أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ﴾ (اعراف / ۱۷۳)

انصاریان: یا نگوید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند.

خرمشاهی: یا مبادا بگوید همانا پدران ما در گذشته شرک آورده بودند.

فولادوند: یا بگوید پدران ما پیش از این مشرک بوده‌اند.

الهی قمشه‌ای: یا آنکه نگوید که منحصرا پدران ما به دین شرک بودند.

مکارم شیرازی: یا نگوئید پدران ما قبل از ما بت پرستی را اختیار کردند.

ترجمه پیشنهادی: «یا (مبادا) بگوید: پدرانمان پیش از (ما) فقط شرک می‌ورزیدند، و (ما هم) نسلی بعد از آنان بودیم» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

۴-۲- خطا در تشخیص طرفین قصر در ترجمه «إنما»

در برخی موارد، مترجم به وجود «إنما» دقت کرده و مفهوم قصر را در ترجمه گنجانده است؛ اما در تشخیص مقصور و مقصور علیه به خطا رفته و ترجمه صحیحی را در ارائه طرفین قصر، انجام نداده است.

﴿إِنَّمَا أُمُوتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا﴾ (نمل / ۹۱)

انصاریان: من فقط فرمان یافته‌ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده

... پرستم.

فولادوند: من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده ... پرستش

کنم.

الهی قمشه‌ای: (ای رسول بگو) من مأمورم که منحصراً خدای این بلد (مکه معظمه) را

که بیت الحرامش قرار داده... پرستش کنم.

در این آیه که به شیوه قصر اضافی آمده، فرمان یافتن، مقصور به عبادت خداوند شده است؛ در این حالت «امرت» مقصور و «أن أعبد»: مقصور علیه است. در حالی که در ترجمه فولادوند و قمشه‌ای، پرستش مقصور به خدای این سرزمین شده است؛ از این رو «أعبد» مقصور و «ربّ هذه البلده» مقصور علیه در نظر گرفته شده که نادرست است. ترجمه پیشنهادی هم، ترجمه انصاریان است.

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس / ۸۲)

انصاریان: شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می-

گوید: باش، پس بی درنگ موجود می‌شود.

خرمشاهی: امر او چون [آفرینش] چیزی را اراده کند، تنها همین است که به آن

می‌گوید موجود شو، [و بی درنگ] موجود می‌شود.

فولادوند: چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی درنگ]

موجود می‌شود.

الهی قمشه‌ای: فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه گوید: «موجود باش» بلافاصله موجود خواهد شد.

مکارم شیرازی: فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: موجود باش آن نیز بلافاصله موجود می‌شود!

«امر» در این آیه به معنای «شأن» است؛ ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ﴾ یعنی: منحصرأ شأن او «زمانی که چیزی را اراده کند» ﴿إِذَا أَرَادَ شَيْئًا﴾ و حکمت و مصلحتش چیزی را ایجاب کند، «این است که به آن می‌گوید: باش. پس ایجاد می‌شود» ﴿أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ۵: ۳۸۳). همچنان‌که در ترجمه آیه فوق ملاحظه می‌شود وجود «انما» مفید حصر است اما باید توجه داشت که «امر» که مقصور است، مقید شده است و آن تقیید این است: «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا»؛ پس لازم است ترجمه مقصور در کنار مقید خود صورت گیرد تا احیاناً نکته خلاف آن برای مخاطب تلقین نشود. همچنان‌که خرمشاهی و مکارم بدون در نظر گرفتن تقیید، ترجمه کرده‌اند: «فرمان او تنها این است...» انصاریان و فولادوند ترجمه درستی ارائه کرده‌اند.

﴿إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (عنکبوت / ۲۵)

انصاریان: جز این نیست که به جای خدا بت‌هایی را [برای خود به عنوان معبود] گرفته‌اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست.

خرمشاهی: همانا به جای خداوند بتانی را می‌پرستید که در زندگانی دنیا مایه دوستی‌ورزیدن بین شماست.

فولادوند: جز خدا فقط بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست.

الهی قمشه‌ای: (ای مردم شما خود می‌دانید که) بت‌هایی را که به جای خدای یکتا به خدایی برگرفته‌اید تنها برای حفظ دوستی (و استفاده مادی دو روزه) دنیای خود اتخاذ کرده‌اید.

مکارم شیرازی: شما غیر از خدا بت‌هائی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.

مفهوم آیه این است که شما بت پرستی را به این دلیل اتخاذ کرده‌اید که مایه دوستی و الفت بین شما در دنیا باشد (بن کثیر، بی تا، ج ۳: ۴۴۸). «و بر این اساس، مفعول له علت برانگیزاننده این کار است» (آلوسی، ۱۸۸۳، ج ۶: ۴۰۵)؛ پس «مقصور علیه [انما]، مفعول له (موده) است» (بن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۰: ۲۳۵)؛ به دیگر سخن، اتخاذ بت پرستی به حفظ دوستی در دنیا مقصور شده است که بر این اساس قمشه‌ای ترجمه درستی ارائه کرده است. در ترجمه انصاریان و فولادوند، اتخاذ (معبود)، منحصر و مقصور به بت‌ها شده است.

﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۱۶۹)

انصاریان: فقط شما را به بدی و زشتی فرمان می‌دهد.

فولادوند: [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد.

الهی قمشه‌ای: این دشمن است که به شما دستور زشتی و بدکاری می‌دهد.

مکارم شیرازی: او شما را فقط به بدی‌ها و انحرافات فرمان می‌دهد.

در آیه فوق، دستور دادن (یا امر) مقصور و بدی و زشتی (السوء والفحشاء) مقصور علیه است. که فولادوند و مکارم ترجمه درستی انجام داده‌اند. اما در ترجمه قمشه‌ای، قصر روی دشمن صورت گرفته؛ یعنی دستور دادن به بدی و زشتی، منحصر به دشمن شده و دشمن مقصور علیه قرار گرفته در حالی که موضوع روی دستور دادن شیطان است که به بدی اختصاص داده شده است.

در ترجمه انصاریان همچنین به نظر می‌آید که کلمه «شما» را مقصور در نظر گرفته؛ بهتر است یا بعد از «فقط»، ویرگول گذاشته شود و یا «فقط» در کنار مقصور علیه آورده شود.

﴿إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (فاطر / ۶)

انصاریان: [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان گردند.

خرمشاهی: جز این نیست که او حزبش را دعوت می‌کند که سرانجام از دوزخیان باشند.

فولادوند: [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند.

الهی قمشه‌ای: او حزب و سپاهش را فرا می‌خواند تا همه (مانند او) اهل دوزخ باشند.

مکارم شیرازی: او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

«این جمله در قالب حصر ارائه شده تا دعوت شیطان را به هدف مذکور محصور نماید و با لام تعلیل آورده تا گمان نشود که دعوت او خالی از آن هدف است» (بن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۲: ۲۶۱). پس هدفی که وی در دعوت پیروان خود دنبال می‌کند، این است که آن‌ها را وارد بدبختی و تباهی کند و این که از اهل آتش دوزخ باشند (زمحشری، بی‌تا، ج ۳: ۵۹۹). با این توضیح «یدعو» مقصور و «لیکونوا من أصحاب السعیر» مقصور علیه است. اما فولادوند، مقصور علیه را به خطا دریافته و «حزب» را به عنوان مقصور علیه در نظر گرفته است. «[او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند» کلمه خود این امر را تاکید و اثبات می‌کند. در ترجمه خرمشاهی هم که از اسلوب «جز این نیست» استفاده شده است، مقصور و مقصور علیه مشخص نیست. ترجمه انصاریان بهترین ترجمه در این باب است.

۴-۳- خطا در تشخیص مای کافه از مای موصوله در «إنما»

«ما»ی کافه، «ما»یی است که بر عامل وارد شده، آن را از عمل باز می‌دارد؛ بدین سان که بر حرف جر و نواسخ و مانند آن وارد می‌شود در این حالت عمل نمی‌کنند؛ مثل «إنما الأمم الأخلاق» (عباس حسن، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۳) که در این حالت مفید حصر خواهد بود. اما «ما»ی موصوله به معنای اسم موصول «الذی» است و استعمال آن با هر چیزی جایز است، ولی معمولاً با غیر عاقل استعمال می‌شود. مثل «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْفَافًا صَاعِقًا إِنْشَاءً صَاعِقًا» (طه/۶) موصول، اسمی است که فقط با وجود صله و عائد کامل می‌شود؛ چرا

که جزء اسم‌های مبهمی است که به چیزی نیاز دارد که معنای آن را توضیح دهد و ابهام آن را برطرف نماید. این کار از خلال کلامی صورت می‌گیرد که پس از آن می‌آید (ر. ک: بن صالح الفوزان، بی. تا: ۲۵۹؛ توفیق الحمد، ۱۴۱۴: ۳۰۰) «و به همراه جمله بعدی جانشین مصدر می‌شود» (عبدالطواب، ۱۴۱۴: ۱۸۷).

با این توضیح بر هر مترجمی مخصوصاً مترجمان قرآن کریم لازم است که نوع «ما» را تشخیص داده و براساس آن ترجمه نمایند.

﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا﴾ (عنکبوت / ۱۷)

انصاریان: جز این نیست که شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و [در نامگذاری آنها به آله و شفیع و مؤثر] دروغی را می‌سازید.

خرمشاهی: شما فقط بت‌هایی را به جای خداوند می‌پرستید و بهتانی برساخته‌اید.

فولادوند: واقعا آنچه را که شما سوای خدا می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی‌سازید.

الهی قمش‌های: و بدانید که شما به جای خدا بت‌هایی (جماد و بی‌اثر) را می‌پرستید و دروغی می‌سازید (که نام خدا بر آنها می‌نهد).

مکارم شیرازی: شما غیر از خدا فقط بت‌ها (قطعات سنگ و چوبی) را می‌پرستید و دروغ‌هایی به هم می‌بافید.

«إِنَّمَا» در آیه فوق به غرض حصر به کار برده شده است. اما فولادوند در ترجمه آیه فوق، «إِنَّمَا» را هم به صورت حصر ترجمه کرده و هم به صورت مای موصوله.

۴-۴- خطا در تشخیص مای موصوله از مای مصدریه

«ما»، لفظ مشترکی است که گاهی اسم است و گاهی حرف و این برحسب عود ضمیر به آن و عدم عود ضمیر و قرینه کلام فهمیده می‌شود.

ما موصوله به جمله پس از خود مرتبط بوده و به این خاطر، «ما»ی موصوله نامیده می‌شود و به دو قسم تقسیم می‌شود:

(۱) اسمیه که به معنای «الذی» است.

(۲) مصدریه که با مابعد خود به تأویل مصدر می‌رود (فارسی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۵۰۰: رضی، ۱۹۹۶، ج ۴: ۴۴۰؛ بن الشجری، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۶؛ مالفی، ۱۴۰۵: ۳۸۱).
ماء مصدریه خود دو نوع است:

(۱) مصدریه غیر زمانیه مثل: أَحَبَّ مَا صَنَعْتُ (فارسی، ۲۰۰۴: ج ۲: ۵۰۰)

(۲) مصدریه زمانیه که مای ظرفیه نیز نامیده می‌شود. مثل: أَنَا مَقِيمٌ مَا أَقَمْتُ؛ یعنی تا زمان اقامت (سیوطی، ۱۹۸۷، ج ۱: ۱۱).

«انما» در آیه زیر، در واقع «ان+ما» است که به صورت متصل نوشته شده است و «ما» در آن مصدریه است.

﴿وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُفِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ﴾ (آل عمران/ ۱۷۸)

انصاریان: و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند مهلتی که به آنان می‌دهیم به سودشان خواهد بود.

خرمشاهی: و کافران هرگز میندارند که چون مهلت‌شان می‌دهیم به سود آنان است. فولادوند: و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند این که به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست.

الهی قمشه‌ای: آنان که به راه کفر رفتند گمان نکنند که مهلتی که ما به آنها می‌دهیم به حال آنان بهتر خواهد بود.

مکارم شیرازی: آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است!

ما و فعل مصدر هستند و تقدیر آن چنین است که کسانی که کافر شده‌اند، گمان نکنند که فرصت دادن ما بر ایشان، به سودشان است (ر.ک: آلوسی، ۲۰۱۴، ج ۲: ۳۴۶؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۳؛ طبری، بی‌تا، ج ۳: ۵۲۷؛ دعاس، ۱۴۲۵: ج ۱: ۱۷۴).

انصاریان و قمشه‌ای «ما» را به صورت موصوله ترجمه کرده‌اند: (مهلتی که... فولادوند به صورت مصدریه ترجمه کرده: (اینکه به آن‌ها مهلت دهیم..) خرمشاهی به صورت مصدریه زمانیه ترجمه کرده: (چون مهلتشان دهیم) و «مکارم با شرطی ترجمه کردن انما، معادلی کاملا اشتباه ارائه داده است» (روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

۴-۵- خطا در معادل یابی معنایی «انما»

براساس بررسی تمام آیاتی که در آن «انما» به کار رفته، معادل‌های معنایی زیر در ترجمه این پنج مترجم ملاحظه می‌شود:

تنها، فقط، همین، جز این نیست؛ ﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ (انبیاء/ ۱۰۸)
مکارم شیرازی: بگو تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای یگانه است،

انصاریان: بگو: به من فقط وحی می‌شود که معبود شما خدای یکتاست.

خرمشاهی: بگو همین به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یگانه است.

فولادوند: بگو جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است.

منحصرا؛ ﴿قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي﴾ (اعراف/ ۱۸۷)

الهی قمشه‌ای؛ علم آن منحصرا نزد ربّ و خدای من است،

بس؛ ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ (احزاب/ ۶۳)

الهی قمشه‌ای: مردم از تو می‌پرسند که ساعت قیامت کی خواهد بود؟ جواب ده که آن را خدا می‌داند و بس.

که؛ ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (بقره / ۱۷۵)
خرمشاهی: آن شیطان است که دوستدارانش را می‌ترساند، اگر مؤمنید از آنان نترسید و
از من بترسید.

بلکه؛ ﴿لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾
(ابراهیم/۴۲)

الهی قمشه‌ای: و (ای رسول ما) هرگز مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است؛
بلکه (کیفر) ظالمان را به تأخیر می‌افکند تا آن روزی که چشم‌ها (یشان) در آن روز خیره و
حیران است.

مکارم شیرازی: و گمان مبر که خدا از کارهای ظالمان غافل است؛ (نه، بلکه کیفر) آن‌ها
را تاخیر انداخته برای روزی که چشم‌ها در آن (از ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستند.
نکته اینجاست که معادل «جز این نیست»، معادل درستی نیست؛ به این خاطر که طرفین
قصر (مقصود و مقصودعلیه) در آن مشخص نمی‌شود و به طور واضح و آشکار، برای
خواننده روشن نیست. معادل «بلکه» نیز هر چند در برخی موارد نشان‌گر قصر بوده، اما
معادل شایسته‌ای نیست که بتوان در تمام موارد آن را به کار برد، از طرف دیگر «بلکه»
معادل «بل» از دیگر روش‌های قصر است، «که» هم معادلی است که برای مخاطب عادی که
ظرایف بلاغی را نمی‌داند انتخاب درستی نیست.

۴-۶- خطا در ترجمه یکسان «إلا» و «إنما»

همچنان که بیان شد، «إنما» مترادف با «ما و إلا» نیست؛ اولی تأکید اثبات است، دومی تأکید
نفی و تفاوت ساختاری، تفاوت معنایی ایجاد می‌کند.
در جدول زیر دو آیه با مفهوم مشابه با ادات حصر متفاوت «إنما» و «إلا» را بررسی می-
کنیم:

جدول (۱): خطا در ترجمه یکسان «إِلا» و «إِنَّمَا»

إِلا	إِنَّمَا	
﴿إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾ (فاطر/ ۲۳)	﴿وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (ملک/ ۲۶)	مترجم
تو فقط بیم دهنده‌ای.	من تنها بیم دهنده‌ای آشکارم.	انصاریان
تو نیستی مگر هشداردهنده‌ای.	من فقط هشداردهنده‌ای آشکارم.	خرمشاهی
تو جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیستی.	من صرفاً هشدار دهنده‌ای آشکارم.	فولادوند
تو جز آنکه (خلق را از کیفر اعمال بد) بترسانی به کاری مأمور نیستی.	من منحصرًا وظیفه‌ام این است که شما را (از عذاب حق) بترسانم.	الهی قمشه‌ای
تو فقط انذار کننده‌ای (و اگر ایمان نیاورند نگران نباش وظیفه‌ات را انجام ده).	من فقط بیم دهنده آشکار هستم	مکارم شیرازی

خرمشاهی و فولادوند و قمشه‌ای این تفاوت لفظی و معنایی را در ترجمه ادات حصر «إنما» و «إلا» در نظر داشته و برای شرایط مختلف ترجمه یکسان ارائه نکرده‌اند. اما انصاریان و مکارم هر دو روش حصر را به یک شکل ترجمه کرده‌اند.

۵- بسامد عدم ترجمه و ترجمه نادرست «إنما» در ترجمه مترجمان

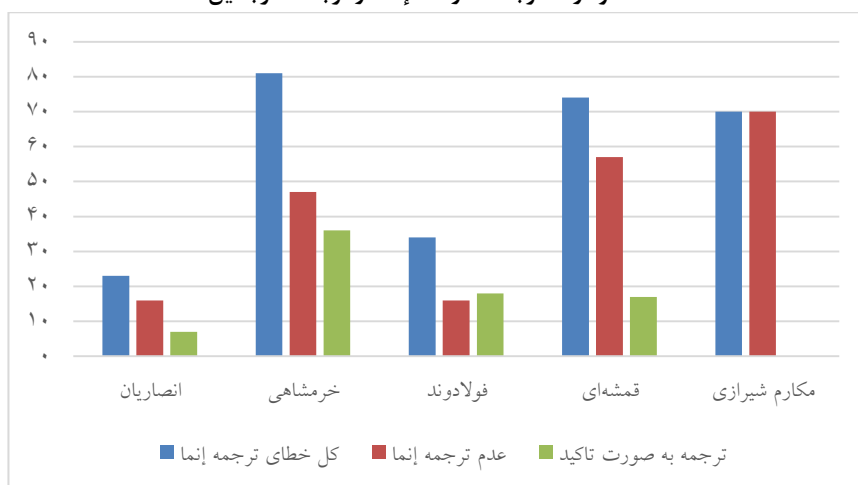
در بررسی صورت گرفته، واژه «إنما» ۱۵۰ بار در قرآن آمده است که ۹ مورد از آن مربوط به «إن+ما» است؛ به عبارت دیگر واژه ما، ما کافه نبوده و مای مصدریه و موصوله است. در نهایت ۱۴۱ مورد مربوط به «إنما»ی قصر است. ترجمه «إنما» در همه این آیات بررسی شد و نتیجه‌ای که در جدول زیر ملاحظه می‌شود، به دست آمد.

جدول (۲): بسامد ترجمه نادرست إنما در قرآن

ردیف	مترجم	کل خطای ترجمه إنما	عدم ترجمه إنما	ترجمه به صورت تأکید
۱	انصاریان	۲۳	۱۶	۷
۲	خرمشاهی	۸۱	۴۷	۳۶
۳	فولادوند	۳۴	۱۶	۱۸
۴	قمشه‌ای	۷۴	۵۷	۱۷
۵	مکارم شیرازی	۷۰	۷۰	۰

چنانکه ملاحظه می‌شود بیش‌ترین خطای ترجمه إنما مربوط به خرمشاهی، قمش‌ای و مکارم شیرازی است و کم‌ترین خطا، مربوط به انصاریان. و بیش‌ترین خطا در ترجمه إنما به صورت تأکیدی، مربوط به خرمشاهی و کم‌ترین مربوط به مکارم است که صفر است.

نمودار ۱: ترجمه نادرست إنما در ترجمه مترجمین



۶- نتیجه‌گیری

«إن» که از حروف مشبّهة بالفعل بوده و مفید تأکید است، پس از آمدن «ما»ی کافه، مختص ادات حصر شده و مفید حصر است؛ اهمیت و ضرورت دقت به ترجمه «إنما» مخصوصاً در قرآن کریم که کتاب آسمانی است و هیچ واژه و حرفی در جای نامناسب استعمال نشده و هر واژه‌ای در هر جایگاهی اهمیت و نقش خاص خود را دارد، دو چندان است. با این وجود بسیاری از مترجمان، در تعداد فراوانی از آیات، «إنما» را به صورت تأکیدی ترجمه کرده و یا کلاً ترجمه نکرده‌اند. در بررسی صورت گرفته، واژه «إنما» ۱۵۰ بار در قرآن آمده است که ۹ مورد از آن مربوط به (إن+ما) است؛ به عبارت دیگر واژه «ما»، کافه نبوده و مصدریه یا موصوله است. در نهایت ۱۴۱ مورد مربوط به «إنما»ی قصر است که ترجمه «إنما» در همه این آیات بررسی شد و نتایج زیر، به دست آمد.

۱- بیشترین خطای ترجمه مربوط به خرمشاهی (۸۱ مورد) و قمشهای (۷۴ مورد) و مکارم شیرازی (۷۰ مورد) و کمترین مربوط به انصاریان (۲۳ مورد) است. بیشترین ترجمه تأکیدی نیز مربوط به خرمشاهی (۲۳ مورد) و کمترین مربوط به مکارم شیرازی (۰ مورد) است.

۲- نکته دیگر تفاوت «ما و إلا» و «إنما» در ترجمه است. «إنما مترادف با «ما و إلا» نیست؛ به این دلیل که از نظر معنی و مفرد و مرکب بودن به یک شکل نیستند. مترجمان اغلب در ترجمه بین «إنما» و دیگر ادات حصر مخصوصاً «ما و إلا»، تفاوت قائل نشده و کم و بیش به صورت یکسان ترجمه کرده‌اند. خرمشاهی و فولادوند و قمشهای این تفاوت لفظی و معنایی را در ترجمه ادات حصر «إنما» و «الا» در نظر داشته و برای شرایط مختلف ترجمه یکسان ارائه نکرده‌اند. اما انصاریان و مکارم هر دو روش حصر را به یک شکل ترجمه کرده‌اند. نظر به اهمیت و حساسیت ترجمه قرآن کریم بهتر است که این تفاوت لفظی و معنایی در ترجمه مورد توجه مترجم قرار گرفته و این دو عین هم ترجمه نشوند.

۳- خطای دیگر مترجمان در ترجمه «إنما» این است که در برخی موارد طرفین قصر (مقصور و مقصور علیه) را به درستی تشخیص نداده و در ترجمه راه خطا رفته‌اند.

۴- تشخیص نادرست مای کافه از مای موصوله در «إنما» و «ما»ی موصوله از مای مصدریه، از دیگر خطاهایی هستند که در ترجمه «إنما» رخ داده‌اند.

۵- معادل‌های معنایی که برای واژه «إنما» در ترجمه مترجمان انتخاب شده، موارد ذیل هستند: تنها، فقط، همین، جز این نیست، منحصر، بس، که، بلکه، جز آن که... نیست. نکته اینجاست که معادل «جز این نیست»، معادل درستی نیست به این خاطر که طرفین قصر (مقصور و مقصور علیه) در آن به طور واضح مشخص نمی‌شود. معادل «بلکه» نیز هر چند در برخی موارد نشان‌گر قصر بوده، اما معادل شایسته‌ای نیست که بتوان در تمام موارد آن را به کار برد، از طرف دیگر «بلکه» معادل «بل» از دیگر روش‌های قصر است. «که» هم معادلی

است که برای مخاطب عادی که ظرایف بلاغی را نمی‌داند انتخاب درستی نیست. از این رو بهترین معادل برای «إنما»، «تنها»، «فقط» و «منحصراً» است.

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی، (۱۳۹۱ش).
- ۲- آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، المطبعة الكبرى المیصریة، (۱۸۸۳ق).
- ۳- آندلسی، ابن عطیة، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۳ق).
- ۴- ابن الشجرى، هبة الله بن علي، أمالي بن الشجرى، التحقيق: محمود محمد الطناحي، القاهرة: الخانجي، (بی.تا).
- ۵- ابن صالح الفوزان، عبدالله، دليل السالك إلى ألفتة بن مالك، د.م: دارالمسلم للنشر والتوزيع، (بی.تا).
- ۶- ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير والتنوير، تونس: دارالتونسية للنشر، (۱۹۸۴م).
- ۷- ابن كثير، ابوالفداء الحافظ، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دارالفكر، (بی.تا).
- ۸- ابوحیان الأندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، المحقق: صدقي محمد جميل، بیروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۹- تفتازانی، سعد الدین بن مسعود بن عمر بن عبدالله، المطول علی تلخیص المفتاح، ترکیا: دن، (۱۳۳۰ق).
- ۱۰- _____، شروح التلخیص، مصر: مطبعة عیسی البابی الحلبي، (بی.تا).
- ۱۱- توفیق الحمد، علی؛ الجمیل الزعبي، یوسف، المعجم الوافي فی أدوات النحو العربي، ط ۲، إربد: دارالأمل، (۱۴۱۴ق).

- ۱۲- جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *دلایل الإعجاز، تعلیق و شرح*: محمد عبدالمنعم خفاجی، القاهرة: مکتبه القاهرة، (۱۳۸۹ق).
- ۱۳- جهانگیری اصل، محمد و همکاران، «چالش‌های انعکاس معانی تنوین در ترجمه‌های فارسی قرآن»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۹۴-۱۶۵، (۱۳۹۸ش).
- ۱۴- دسوقی المالکی، محمد بن أحمد بن عرفه، *حاشیة الدسوقی علی مختصر السعد شرح تلخیص المفتاح، التحقیق*: خلیل ابراهیم خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۲۰۱۱م).
- ۱۵- دغاس، أحمد عبید و الآخرون، *إعراب القرآن الکریم، الطبعة الأولى*، دمشق: دار المنیر و دار الفارابی، (۱۴۲۵ ق).
- ۱۶- رازی، فخرالدین بن علامه ضیاء، *تفسیر الفخر الرازی (التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار الفکر، (بی تا).
- ۱۷- رضایی اصفهانی، محمد علی، *ترجمه قرآن (رضایی)*، قم: موسسه تحقیقاتی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۱۸- رضی، محمد بن الحسن، *شرح الرضی علی الکافیة، التصحیح والتعلیق*: یوسف حسن عمر، ط ۲، بنغازی: جامعة قاریونس، (۱۹۹۶م).
- ۱۹- روحی برندق، کاووس و همکاران، «ارزیابی دوگانگی رسم الخط ادوات «إنما، أنما، کُلّ ما و این ما» و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۸۶-۱۶۳، (۱۳۹۶ش).
- ۲۰- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، الطبعة الأولى*، تحقیق: عادل أحمد عبدالوجود، القاهرة: مکتبه العیکان، (۱۴۱۸ق).
- ۲۱- سکاکی، ابویعقوب یوسف بن ابی بکر، *مفتاح العلوم، التحقیق*: أکرم عثمان یوسف، بغداد: مطبعة دارالرسالة، (۱۴۰۰ ق).
- ۲۲- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الأشباه والنظائر فی النحو، دمشق: مجموعة محققین مجمع اللغة العربیة*، (۱۹۸۷م).
- ۲۳- صعیدی، عبدالمتعال بغیة *الإیضاح لتلخیص المفتاح فی علوم البلاغة، القاهرة: مکتبه الآداب*، (۱۴۲۰ق).

- ۲۴- صیادانی، علی و بهنام فارسی، «دراسة تحليلية في الفروق المعنوية بين أساليب القصر»، بحوث في اللغة العربية، المجلد ۸، العدد ۱۵ - الرقم المسلسل للعدد ۱۵، الصفحة ۳۳-۴۶، (۲۰۱۶م).
- ۲۵- طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان فی تأویل القرآن)، بیروت: دارالکتب العلمية، (بی تا).
- ۲۶- فارسی، ابوعلی، المسائل الشیرازیات، تحقیق: حسن بن محمود الهنداوی، ط ۱، الرياض: کنوز اشبیلیا، (۲۰۰۴م).
- ۲۷- قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، التحقيق: سالم مصطفى بدری، بیروت: دارالکتب العلمية، (بی تا).
- ۲۸- قزوینی، الخطیب محمد بن عبدالرحمن، شرح لتلخیص فی علوم البلاغة، الشرح: محمد هاشم دویدری، ط ۲، بیروت: دارالجليل، (۱۹۸۲م).
- ۲۹- قزوینی، الخطیب محمد بن عبد الرحمن، الإيضاح فی علوم البلاغة (المعانی والبیان والبديع). بیروت: دار الکتب العلمية، (۱۴۰۵ق)
- ۳۰- عباس حسن، النحو الوافی، قم: دارالمعارف، (بی تا).
- ۳۱- عبدالتواب، رمضان، التطور النحوي للغة العربية، ط ۲، القاهرة: الخانجي، (۱۴۱۴ق).
- ۳۲- مازندرانی، محمد هادی، انوار البلاغة، به کوشش: محمد علی غلامی نژاد، تهران: قبله، (۱۳۷۶ش).
- ۳۳- مالقی، أحمد بن عبدالنور، رصف المباني في حروف المعاني، ط ۲، تحقیق: أحمد الخراط، دارالقلم، (۱۴۰۵ق).
- ۳۴- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (۱۳۸۹ش)
- ۳۵- ملاصدرا صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، قم: بیدار، (۱۳۶۶ش).